

ماجرای عشق و عاشقی میدون

آموزش روش بشکه

● **بوریا عالمی**: فارس گزارش عجیبی داده که حجت را بر ما تمام کرد، به‌نحوی‌که با این کارش عرصه‌های خبرنگرۊیسی را درنوردید و بعد توانست به‌جای هرم وارونه در خبرنگرۊیسی، مدل بشکه را به جهان رسانه پیشنهاد دهد.تیتیر فارس این است: «آخرین جزئیات از پرونده پزشک تیریزی از زبان پلیس؛ بر اساس دلایل و مدارک کافی، پزشک اصلاح‌طلب تیریزی مظنون اصلی قتل خانواده‌اش است». به نظر ما اگر این پزشک اصلاح‌طلب نبود و محافظه‌کار بود، حتماً مظنون قتل خانواده‌اش نمی‌شد. وی اگر پزشک محافظه‌کاری بود، حتماً جای قتل خانواده الان دکلۊ، چیزی غیب کرده بود یا پولی را شسته بود و با خانواده داشتند حالش را می‌بردند که ضرر فساد اقتصادی از قتل به‌مراتب کمتر است. خوشبختانه مظنونان اصلاح‌طلب زود دستشان رو می‌شود و به سزای اعمالشان می‌رسند؛ از بس بد شانس و دست‌وپاجلفتی هستند. اگر مظنونان اصلاح‌طلب نباشند و محافظه‌کار باشند، نه‌تنها دستشان رو نمی‌شود که اگر هم رو بشود، دست را به‌هم می‌زنند و پا می‌شوند می‌روند پیاده‌روی.

نشست خبری

مقام مسئول: چند هزار میلیارد هیلۊ هیو شده. خبرنگار: ببخشید هیلۊ هیوکننده محافظه‌کار بوده؟ مقام مسئول: بله. خبرنگار: پس نوش جانۊ. حتماً خطای حسابداری است.

مسئول: نه... نه... ببخشید... اصلاح‌طلب بوده. خبرنگار: اوه‌وه... چپال سازمان‌یافته ثروت ملت گرسنه ازسوی عناصر مطرود و منفور اصلاح‌طلب.

دیالوگ

- الو... ۱۱۰ اینجا دارند من را قتل می‌کنند. : شما اصلاح‌طلبی؟ - بله. : پس «براساس دلایل و مدارک کافی شمای اصلاح‌طلب مظنون اصلی قتل خانواده‌ات است». بیا خودت را تحویل بده.

- ببخشید ولی من مقتول هستم نه قاتل. : آن هم اداست. وقتی معلوم شد خود قاتلت خود مقتولت را به قتل رساندی، می‌فهمی.

روش بشکه به صورت چکیده

در روش بشکه، ما هرچی را منظورمان است، اما ربطی به خبر ندارد می‌ریزیم توی جمله و کاری به کار کسی نداریم، چراکه هدف وسیله را توجیه می‌کند حتی اگر وسیله خبر باشد.

وصیت

سوفیا... عشق من... بابات اصلاح‌طلب است؟ از کجا معلوم که اسیدپاش اصفهان نبوده؟ هان؟

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۴ آذر ۱۳۹۵ • ۲۴ صفر ۱۴۳۸ • ۲۴ نوامبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۲۷۲ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۱۲ • اذان صبح فردا ۵:۲۲ • طلوع آفتاب ۶:۵۰

روزنفرها

کارتون خواب

مهدی عزیزی

در نکوهش سرقت های علمی...



بانک تجارت

بانک فردا

نسل سوم اینترنت بانک تجارت آن‌طور که شما می‌خواهید ...



روابط عمومی
مرکز ارتباط مشتریان ۱۵۵۴
www.tejaratbank.ir

آکادمی

خلاقیت موسیقایی در غیبت شنوایی

گوش می‌کنند، بدون اینکه بنوازند نیز منطقه حرکتی مغز مربوط به انگشتان دست‌شان شروع به فعالیت می‌کند. همین‌طور در هنگام دیدن نواختن موسیقی به وسیله فیلمسی صامت نیز منطقه شنوایی مغز فعال می‌شود و موزیسین‌ها از این طریق می‌توانند به تمرین و یادگیری خود ادامه دهند. این تجربیات علمی نشان می‌دهد که تا چه اندازه ارتباط بخش شنیداری و حرکتی مغز در هنگام فعالیت و تمرین‌های ذهنی موسیقایی مهم است. در ضمن این یافته‌ها به ما کمک می‌کنند تا بدانیم که برای رسیدن به تحیل موسیقایی، نیاز به بیرون‌کشیدن آموخته‌های با خاطر سپرده‌شده و آوردن آنها به بخش شنوایی مغز داریم. با یافته‌های جدید به نظر می‌رسد که به‌تدریج در حال نزدیک‌شدن به سازوکار مغزی آگاهی و خلاقیت در موسیقی هستیم و اینکه بفهمیم که چگونه مغز ورزیده موسیقایی بتهوون حتی در دوران ناشنوایی کامل نیز قادر به خلق شاهکاری چون سمفونی شماره ۹ شده است.

به خاطر می‌آوریم. امروزه کندوکاو بیشتر درزمینه چگونگی شکل‌گیری موسیقی در مغز، روزنه‌ای برای ورود به دنیای کارکرد عمومی ذهن در مغز، به‌ویژه در عرصه هیجانات، حافظه و ادراک، باز کرده است. پژوهشگران از طریق تصویربرداری‌های کارکردی مغز، متوجه شده‌اند که هنگام شنیدن موسیقی و تخیل درباره موسیقی، منطقه واحدی از مغز، یعنی قشر شنیداری برانگیخته می‌شود. این نشان می‌دهد که تجربیات موسیقایی درون ذهنی ما نیز به وسیله همان بخشی از مغز انجام می‌گیرد که در هنگام شنیدن موسیقی فعال می‌شود. این مشابهت کارکردی مغز در ادراک و تخیل، تنها به شنیدن موسیقی منحصر نمی‌شود، بلکه در دیدن و تخیل دیداری و همچنین در انجام عمل و تخیل درباره آن عمل نیز صدق می‌کند. این نشان می‌دهد که تفکر و تخیل کار راحتی نیست و مغز در هنگام تخیل نیز به طور کامل به کار گرفته می‌شود. ازطرف‌دیگر مشاهده شده وقتی موزیسین‌ها به قطعه‌ای موسیقی



عبدالرحمن تچلر حیم

عصب‌شناس و عصب‌پژوه

نزدیک به دو سده از آفرینش سمفونی شماره ۹ بتهوون می‌گذرد. شواهد شکی باقی نمی‌گذارند که بتهوون در هنگام آفرینش این اثر -که به نظر بسیاری از صاحب‌نظران، شاهکار او به حساب می‌آید- دچار ناشنوایی کامل بوده است. سؤالی که امروز برای مغزپژوهان مطرح شده، این است که بتهوون در این دوران اگر نمی‌توانسته موسیقی را در هنگام اجرا بشنود، چگونه قادر بوده که نت‌های این سمفونی را حداقل در درون سر خود بشنود. پژوهشگرانی که دراین‌زمینه کار می‌کنند، پدیده شکل‌گیری خیال موسیقی در مغز را چون «کنسرت‌های ذهنی» می‌دانند. همه ما اغلب این کنسرت‌های ذهنی را وقتی تجربه می‌کنیم که آهنگ دلخواه خود را

یاد آر

جای خالی ۴۰روزه وکتاب‌هایی که منتظر مکان است



شاید کمتر از ۱۰ روز طول کشید بین تاسوعایی که «رضا رستمی» در بیمارستان شهدای تجریش بستری شد تا ۲۹ مهر و ساعت یک نیمه‌شبۊ که دوستان زنگ زدند و گفتند بیچاره شدیم.

می‌گویند کسی که می‌رود، رفته است و دوستان و نزدیکانی که مانده‌اند با دردۊ بی‌امان درگیر می‌شوند. این اتفاق افتاده است، حجم مطالبی که درباره «رضا»، دوست، خبرنگار و... نوشته شد، حکایت از این ماجرا دارد. در این مدت شاید بیش از هرکسی، الهه خسروی، همسرش و رها، دخترش درد کشیده‌اند، درد تنهایی، درد انده‌ای که چگونه می‌شود و آغاز راه دونفره‌شان. ماجرای خطای پزشکی و همه آن چیزهایی که می‌توان گفت و گفته نمی‌شود، با نوشته‌ای که «الهه خسروی» از روند درمان در کتاب یادبود رضا رستمی نوشته است، ماندگار شد. آن چیزی که سبب می‌شود رضا رستمی هنوز در اخبار هم بماند، فارغ از جای خالی یک دبیر فرهنگی و یک فعال فرهنگی، کمپینی است که همسرش بلافاصله به یاد او آغاز کرد. کمپین #کتاب_به‌جای_گل. در این مدت بسیاری همراه این کمپین شده‌اند، به‌جای دسته‌کل‌های بزرگ و زیبایی که می‌توانست روح هرکسی را شاد کند، کتاب برایش برده‌اند. مجموعه‌ای از بهترین کتاب‌ها اکنون جمع شده‌اند. آن‌طور که اعلام شد، بیش از ۱۰هزار جلد کتاب، تهیه شده است. می‌توان گفت اتحادیه ناشران، تعدادی از ناشران خصوصی، جمعی از نهاده‌ا و بسیاری از افراد و معاونت فرهنگی همراه این فراخوان موفق بودند. اکنون باید دید مرحله بعدی این اتفاق چگونه پیش می‌رود و آرزوی داشتن کتابخانه‌ای برای کودکان و جوانان شهر اسدآباد اجرائی می‌شود یا نه. می‌توان گفت حدود صد میلیون تومان کتاب جمع‌آوری شده است و حالا باید ببینیم مسئولان وزارت ارشاد همدان، فرمانداری اسدآباد یا شورای شهر اسدآباد و دیگر مسئولان شهر زادگاه رضا رستمی می‌توانند در این زمینه فعالیتی انجام دهند و همراه این کتابخانه شوند و مکانی را اختصاص دهند. امروز مراسم چهلم رضا رستمی بر سر مزارش در امامزاده عبدالله شهرشان، جایی نزدیک کوه، نزدیک آسمان و... برگزار می‌شود. باشد که به‌زودی مراسم افتتاحیه کتابخانه نیز برگزار شود، اگر همکاری مسئولان ممکن شود.

رودررو

مریم زندی در تحلیل عکس‌های ۸ سال ریاست‌جمهوری اوپاما تهیه و انتشار این عکس‌ها حساب‌شده است

یا مثلاً نشست‌ه و دارد با خانواده‌اش تلویزیون می‌بیند یا بازی بسکتبال را دنبال می‌کند. این نکاتی است که یک عکس می‌تواند از نظر روان‌شناسی روی مخاطب خود تأثیر بگذارد و جنبه تبلیغی پیدا کند؛ اما نمی‌دانم قرار است در واقع چه چیزی تبلیغ شود. **۱۱** دو میلیون عکس در فاصله هشت سال ریاست‌جمهوری اوپاما گرفته شده و حالا در دسترس عموم قرار گرفته است. فکر می‌کنید این ادعا که عکاسان کاخ سفید زندگی رئیس‌جمهوران آمریکا را مستندسازی می‌کنند، با این تعداد عکس واقعیت پیدا می‌کند؟

تعداد عکس‌هایی که من از این مجموعه دیده‌ام، در برابر رقم دو میلیون عکس، واقعاً کم بوده؛ اما به طور کلی وقتی ما درخواست مستندسازی و مستندنگاری حرف می‌زنیم، موضوع واقعاً جدی‌تر و شاید پیچیده‌تر از این حرف‌ها باشد. مسلماً این عکس‌ها، همه با اجازه اوپاما گرفته شده یا با اجازه او منتشر شده‌اند؛ بنابراین برای تهیه و انتشار آنها، برنامه‌ریزی صورت گرفته است. آن بُعد تبلیغاتی را شاید بشود اینجا راحت‌تر محل بحث قرار داد. این عکاس اگر کارش حضور در کاخ سفید و ثبت زندگی شخصی رئیس‌جمهور باشد، قاعدتاً این کار را با دیگر رئیس‌جمهوران آمریکا هم انجام داده است. حتماً رئیس‌جمهورهایی بوده‌اند که زندگی آنها هم به ثبت رسیده؛ اما این ثبت با مستندسازی یک زندگی تفاوت جدی دارد.

۱۲ در ایران چطور؟ به عنوان یک عکاس، تابه‌حال با مستندسازی تصویری زندگی چهره‌های سیاسی و به‌خصوص رئیس‌جمهور مواجه شده‌اید؟ ما در ایران همیشه آن‌قدر با چهره‌های سیاسی فاصله داشته‌ایم که نه آنها به‌راحتی توانسته‌اند به ما اعتماد کنند و نه ما خیلی راحت توانسته‌ایم در زندگی خصوصی‌شان کنکاش تصویری کنیم؛ بنابراین اگر مجموعه عکس‌هایی به صورت گزارش تصویری از زندگی آنها تهیه شده، حتی آنها نیز صرفاً برای نمایش عمومی بوده‌اند. وجود باید و نبایدهای بسیار رابطه با زندگی چهره‌های سیاسی، البته نه مختص به ماست و نه مختص به دیگر کشورها؛ بلکه به نظر می‌رسد نتیجه مستقیم زندگی سیاسی‌شده عصر ما باشد.



نکته

شماره‌های پنهان

مدد آماری است که گرفته می‌شود و شمار تیراژ است و براساس آن طرح و برنامه ریخته می‌شود تا تعداد مخاطب افزون شود و راهکارهایی اعم از نیم‌بها در حوزه سینما و تخفیف در خرید کتاب در نظر گرفته می‌شود؛ چرا با دانستن تیراژ مطبوعات در حال نزار، به کمک آن شتافته نشود؟! به‌راستی کسرشان و منزلت است برای جامعه مطبوعات که با صدای بلند اعلام کنند تیراژشان چه اندازه است و مرجوعی‌شان چقدر؟ تا نگرید طفل گل نو شد لین...؟ آیا استمداد از مخاطب که بی‌واسطه‌ترین مشتری این عرصه است، سربلندی معنا نمی‌یابد؟ تا عموم مردم، لطفاً دقت شود عموم، نه قشر همیشگی دنبال خواندن، آگاه نشوند از وضعیت نابسامان مطبوعات، نمی‌توان انتظار پروروقتی در این عرصه داشت. امید که راز مگوی اعلام‌نکردن شمارگان واقعی مطبوعات روزی بیان شود... .

روزنامه‌ها و مجله‌ها استکاف می‌ورزند...؟ یا اینکه روزنامه مدعی است در سپهر سیاسی و اجتماعی کشور تأثیر دارد به چه دلیل حاضر نیست این اثرگذاری را با تعداد شمارگانش به اثبات برساند؟ برخی بر این باورند که در اوضاع کنونی اگر نشریه به رایگان نیز مشترک بپذیرد، خواننده حوصله و رغبت خواندن‌ش را ندارد و گفتن اینکه فلان روزنامه و مجله می‌تواند حرکتی درخور در تغییر نگرش، ایجاد کند را حرفی بی‌اساس می‌دانند. حال این ایجاد و آفرینش انکاره می‌تواند باب میل باشد یا نباشد. پس به طریق اولی در این برهوت کم‌خوانی، اینکه بدانیم نشریات طیف‌های گوناگون چه تعداد تیراژ دارند، کمترین فایده‌اش، آرام‌کردن اذهان منفی است که گویا باور نمی‌دارند روز دآوری... وقتی در مدیوم سینما یا حوزه کتاب یا کمبود مخاطب مواجه می‌شویم و این دانستن به